

ترجمه : مرتضی مدرس چهاردهی

شکایت نامه میرزا ابوالقاسم

قائم مقام فراهانی

۱۲۰

مؤسس نظام نوین

تا رواج داد نظام جدید را ، و تأسیس کرد این اساس سعید را ، جنگ کرد همین سپاه با قشون های روس و پس زدند حملات شان را و شکستند حدشان را ، و حمله کردند بصفوف شان ، و ثابت و پای برجای بودند در مقابل حملات شان ، و مقابله کردند با گردان بلباس و نواده زادگان خناس ، و حمله ور شدند بر آنها . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و در هر سوراخی دنبال کردند آنان را تا کشتند دزدان و راه زنان ایشان را و تصرف کردند سرزمین و دیار آنها را .

بسوی ارمنستان :

بعد توجه کردند بسمت دیار ارمنیه و شکست خوردند از آنها لشگرهای رومیه و رفت ذکرشان در شرق و غرب عالم ، و پر کردند دلها را ترس و هراس .

بیگانه درخواست تعلیمات نظامی از ما می‌کورد :

و اشتیاق پیدا کردند که پیروی کنند از ما راجع به نظام شان ، و قوام یابد مانند قوام قشون ، سپاه‌شان ، بیشتر سرلشگران عصر و فرمانروایان هر شهر شهادت دادند بخوبی ضرات « اساحه و لوازم جنگ » ما ، و خواستار آموختن آن از ما شدند بکرات و مرات ، و زیادت‌ر گردید در آنها و جد و طلب بعد از آنکه خیال کرده بودند آن را لهو و لعب .

پوزش و پشیمانی دشمنان ما :

پس خواهید هر کس که ملامت کرده بود و پوزش طلبید هر کسی که سرزنش کرده بود و مبهوت گردید کسی فاخر شده و شناخته شد هر که را انکار کرده بود ، و حمد بخصوص پروردگار آن چنانیست که راهنمایی کرد ما را باین کار و نبودیم ما کسانی که راه بیردمان اگر راهنمایی نمی‌کرد خدا .

مصیبت پدر و مرگ او :

ولیکن در طی این احوال ، حسد برد بر ما روزگار ، و رسید بر ما مصیبت عین الکمال « رحم رحم ، راه یافت بر پدرم بسیاری از پیش آمدها ناگوار و سختی‌های پینایی بشمار ، مردند بیشتر اولادانش و رفت سرسبزی شاخسارش و وارد شد فتور و سستی در کارهای ما ، سال بعد سال ماه بعد ماه ، و روز بعد روز

تا بالاخره از دست دادیم او ار مانند از دست دادن دوران جوانی ؛ وای کاش فدای او شده بود هزار نفر از مادر عین بهار زندگانی و همواره تا مرگ گرفت آخرین نفسش را .